

هویت آینه‌ای هسته مدنی ایران

(ایده‌ای در حوزه دانش جغرافیا)

طیبه محمودی: دانشجوی دکتری ژئومورفولوژی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران*

وصول: ۱۳۹۱/۱۲/۱۲ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰، صص ۷۹-۹۰

چکیده

ایران سرزمین متکثری است که تنوع و تفاوت‌های سرزمینی، فرهنگی و هویتی آن از جمله ویژگی‌های بارز و شاخص آن بشمار می‌آید. با این وجود در ادوار تاریخی همواره با همه قبض و بسط‌های مقطعی، همگرایی خود را تحت عنوان یک واحد فرهنگی تعریف شده حفظ نموده بطوریکه برای این سرزمین تاریخ استقلالی مانند دیگر کشورهای منطقه، مکتوب و منظور نشده است. پرسش اصلی در مقوله پایداری تاریخی یک جمع متکثر با فرهنگها، زبان‌ها، اقوام و نحله‌هایی گوناگون فکری، چرایی و چگونگی شکل گرفتن این واحد نیوتونی است. بررسی‌های محققان جغرافیا در دهه‌های اخیر بر این نکته تاکید دارند که اگرچه هر تکثر و تنوعی می‌تواند همواره عامل افتراق و جدایی باشد و اصولاً تفاوت‌ها، افتراق آفرین و تفکیک کننده هستند ولی مفهوم فضای ترامنتی محیطی می‌تواند نوعی ارتباط بین اجزا متفرق بوجود آورد و تکثر و تنوع را به جریانی ارتباطی بدل سازد، به گونه ای که این تفاوت‌ها در عین تکثر به وحدت خاصی منجر گردد که اصطلاحاً به آن "هویت آینه ای" گفته می‌شود. هویت آینه ای نظریه جدیدی است که برای نوعی کلیت کسر ناپذیر مجموعه ای متکثر بکار می‌رود و سعی دارد با تمسک به مفهوم فضای ترامنتی و شار محیطی علت وحدت و یکپارچگی تاریخی سرزمین ایران را با اتکا به هویت مکانی تشریح و توجیه نماید بدین نحو که همان گونه که تصویر دسته گلی چند شاخه ای در آینه یک کلیت واحد را به معرض دید می‌گذارد و با شکسته و چند پاره شدن آینه، تصویر دسته گل در همه پاره‌های آینه یک کل واحد را نشان و انفکاک و جدایی آنها را باعث نمی‌شود، هویت آینه ای نیز چنین نقشی را برای جمعیت متکثر ایران بوجود آورده است. در این ایده سعی شده است با طرح مفاهیمی چون واحد نیوتنی، فضای ترامنتی، شار محیطی و هویت مکانی و برقراری ارتباط ارگانیک این مفاهیم، رمز مانایی و پایداری وحدت ایرانیان در سرزمین پارس، باز گو گردد و عواملی که سبب جیوه ای، یا آینه ای شدن چنین هویتی می‌شود را در حوزه جغرافیا با اتکا به تحلیل‌های ژئومورفولوژیک بیان نماید.

واژه‌های کلیدی: همگرایی مدنی، هویت، ترامنتیت، شار محیطی، چشم انداز، ایران

را شکل می‌دهند. در اینجا ظرفیت مدنی زایی هسته مرکزی ایران، نیرو یا کهربای اصلی پایداری منظومه و اقمار آن فرض شده است. سابقه تاریخی نشان می‌دهد که نوسان قدرت و ظرفیت مدنیت زایی این هسته با دوران شکوفایی و مشارکت و نقش آفرینی اقمار آن پیوستگی معنی داری داشته و کشمش‌های درونی اقمار بعضا برای ارتقا قدرت مدنی منظومه و حراست از مجموعه بوده و تمایلات جدایی طلبی و استقلال از هسته مادر مد نظر نبوده است.

هویت آینه ای: این واژه ترکیبی، که عنوان اصلی نظریه بر آن بار شده بیانگر یک ویژگی ملی مشترک است که علی رغم تکثر سرزمین ایران تفکیک ناپذیر بودن آن در واژه آینه نماد یافته و برای نوعی کلیت کسر ناپذیر مجموعه ای متکثر بکار می رود.

- فرایند تکوین و تطور نظریه

هویت از جمله مفاهیمی است که از دهه گذشته در ادبیات علمی جهان ذهن محققان علوم انسانی و اجتماعی را به خود مشغول داشته و از جنبه‌های گوناگون منجمله همگرایی‌های ملی قابل بررسی است.

در زمینه وحدت ملی تحقیقات متعددی صورت گرفته و غالب این پژوهش‌ها در حوزه‌های علوم اجتماعی و فرهنگی بوده است و بدیهی است که مقولاتی چون زبان، فرهنگ، قومیت و ... محورهای اصلی چنین تحقیقاتی باشد. از نظر جغرافی‌دانان پیوستگی‌های ملی باید از بن مایه‌های قوی تری نشأت بگیرد، زیرا در موارد متعدده ای علی رغم وجود همسانی‌های فرهنگی و زبانی و قومی و...، بعضا وحدت سرزمینی به عنوان یک واحد سیاسی شکل

- شرح واژگان و مفاهیم ابداعی که نظریه بر پایه آن استوار شده است

فضای ترامنتی: این مفهوم وام گرفته از واژه ترامنتیت به معنی هرگونه ارتباط بین متون ادبی در زبان و ادبیات است (ژانت، ۱۹۸۲) که در اینجا چون مکان و یا به تعبیر بهتر فضا رکن تحلیل‌ها در جغرافیاست بنابراین، افزودن این واژه، تعلق آن به دانش جغرافیا را نشان می‌دهد و منظور وجود هر گونه ارتباط بین مولفه‌ها در فضای جغرافیایی است. بعبارت روشن تر همانگونه که در ادبیات با متون و سبک‌های نوشتاری مختلف مواجه هستیم در جغرافیا نیز با چشم اندازه‌های گوناگونی در صحنه طبیعی می‌توان مواجه شد که در اصطلاح آنها را متون جغرافیایی مینامند. اما این چشم اندازه‌های متنوع و گوناگون می‌توانند نوعی مشابهت و یا همگونی در ساخت، بافت، الگوهای ساختاری، فرم و یا فرآیند از خود نشان دهند که بعضا سبب ایجاد نوعی ارتباط و شار بین آنها می‌شود. چنین ارتباطات و مشابهت‌های جغرافیایی، فضای ترامنتی نامیده شده و بر حسب نوع تشابه و ارتباط اقسام ترامنتیت ژانت در ژئومرفولوژی مصداق سازی شده است. (نعمت الهی ۱۳۹۲)

واحد نیوتنی: منظور از واحد نیوتنی منظومه ایست با هسته ای مرکزی و چند قمر جانبی. این مفهوم معطوف به ساختار چینش جوامع مدنی در ایران است و مقصود منظومه ایست با مرکزیت ایران مرکزی به عنوان هسته اولیه و دیگر جوامع مدنی ایران بصورت اقماری که دورتا دور آنرا فراگرفته اند و قدرتی نامرئی، اقمار را با نیروی کششی خود در مدار اطراف خود نگه میدارد بگونه ای که علی رغم تعدد و تنوع در آنها یک واحد

- طرح این ایده در محافل علمی داخلی و خارجی این ایده برای اولین بار در دومین همایش ملی انجمن ایرانی ژئومرفولوژی در بیست و یکم اسفند ۱۳۹۲ در دانشگاه تهران ارائه گردید و متنی از آن در مجله *Journal of Social Issues & Humanities* (JournalSIH) جلد دوم شماره ۱۲، اسامبر ۲۰۱۴ تحت عنوان *Space identity* پذیرش چاپ دریافت نموده است

- بحث و شرح نظریه

ایران محل دوخت دو ابر قاره و یک خرده قاره است که فرم کلان فعلی خود را مدیون چنین تلاقی قاره ایست شکل (۱) و بسیاری از ویژگی‌های سرزمینی خود از جمله فلاتی بودن، آرایش و ترتیب مولفه جهت ناهمواری‌ها، تنوع چشم اندازهای تکتومرفیک، تصویر نقشه چند پاره اقلیمی، منظرهای گوناگون ژئومرفیک، سامانه‌های چند متغیره شکلزایی، افتراق‌های شگفت انگیز رسوبی و معدنی - زمانی، تجربه فازهای متعدد کوهزایی و خطواره‌های گسلی، گستردگی فلات قاره ای دریایی، و تکثر جامعه گیاهی و حیوانی، تنوع زمین بوم‌های اجتماعی، آرایش انتخاب چینش انسانی خود را از آن وام گرفته است. از طرف دیگر این چنین محیط متکثری توسط انسان‌هایی اشغال و به عنوان فضای زیستی انتخاب شده که بیش از ۷۱ فرقه، قوم، نحله، مذهب، زبان و... را شامل می‌شوند (پاپلی یزدی ۱۳۹۲) و علی‌رغم چنین تنوع و تکثری این سرزمین را واحدی برای هویت زایی مشترک مکانی تحت عنوان وطن یا زاد بوم زیستی خود برگزیده اند. بعبارت دیگر می‌توان پهنه سرزمین ایران را به مصداق متون متنوع ادبی

نگرفته و در مقابل عکس این موارد نیز صادق بوده است. بنابراین، طرح این سوال در ذهن همواره می‌توانست مجاز تلقی شود که یکپارچگی و وحدت ملی در سرزمین ایران در طول تاریخ نشأت گرفته از چه عواملی بوده و علی‌رغم رقابت‌های متعدد بین اقشار واقوام و... چرا رقیبان همزیست در این سرزمین، هرگز بفکر جدایی و پارگی از یکدیگر نبوده اند و از این مهمتر آنکه بیشتر نزاع‌ها در بین مردم ساکن در این سرزمین بر سر حفظ و تعالی این بوم بوده است.

از طرفی هویت مفهومی است که در یک فضا شکل می‌گیرد و نمی‌توان آنرا پدیده ای تک مولفه ای قلمداد نمود و وقتی با نظر فیزیکدانان در مورد فضا و یازده بعدی بودن آن مواجه می‌شویم این سوال در ضمن متبادر می‌شود که این یازده بعد کدامند. فیزیکدانان بر این نکته تاکید دارند که هشت بعد از یازده بعد فضا مفهوم مکانی دارد. این گزاره نقش تعیین کننده مکان در شکل‌گیری بسیاری از مفاهیمی که در حوزه دانش اجتماعی و انسانی مطرح است را بیش از پیش مشخص می‌دارد و از جمله این مفاهیم هویت مکانی خواهد است.^۱ بنابراین، این سوالات محرکی شد که به بازخوانی هویت مکانی و نقشی که این خصیصه در یکپارچگی ملی ایرانیان ایفا نموده مبادرت و برای دستیابی به آن از دانش ژئومرفولوژی که علم مکان شناسی است، کمک گرفته شود.

۱- حکیم ابولقاسم فردوسی دقیقاً بر این نکته انگشت اشاره گذارده و هویت ملی بدون سرزمین را بی معنی میدانند و این بدان معنی نیست که هر قطعه زمینی می‌تواند هویت آفرین باشد. (ندانی که ایران نشست من است)

با رصد نظریاتی که تا کنون برای حفظ انسجام و وحدت ملی و عناصر هویت ساز بیان شده است، در می‌یابیم که موارد نقض بسیاری را می‌توان برای هریک شاهد آورد بنابراین، تامل در باره پاره ای از مفاهیم دیگر برای توجیه این احساس درونی مطرح میشود.

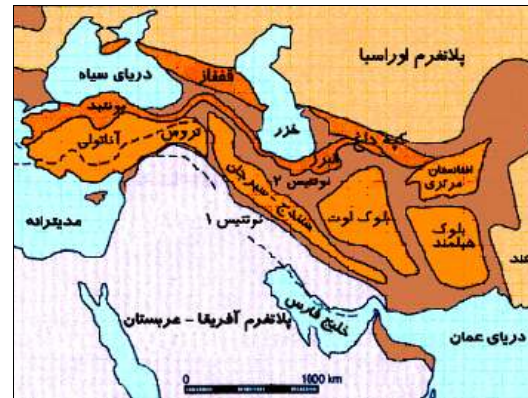
از جمله عواملی که می‌تواند راه گشای این معمای زندگی انسان‌ها باشد مفهوم هویت، فضای بینامتنی و شارمحیطی است. زیرا هویت فرایندی معنا ساز یا تصویری معنایی است که بر اساس مجموعه به هم پیوسته ای از ویژگی‌های فرهنگی و مکانی برای انسان شکل می‌گیرد (باباجمالی، ۱۳۹۱).

مکان به عنوان ارزش محسوس، کانون علم جغرافیا است (شکویی، ۱۳۸۶: ۲۸۰). واز دیدگاه فیزیک دانان معاصر مکان نقش رکینی در ایجاد فضا بعهده دارد ولی وقتی اهمیت مکان در هویت سازی و شکل‌گیری هویت جوامع، فرم و الگو دهی هویت مدنی ملل و اجتماعات بشری روشن ترمی شود که بدانیم از یازده عنصر موثر در ایجاد فضا و مفهوم آن، هشت عنصر جز خصیصه‌های مکانی قلمداد می‌شوند (شعری مقدم ۱۳۸۹).

- هویت مکانی

هویت مکانی، احساسی در فرد یا جمع است که به واسطه ارتباط با مکان بر انگیخته می‌شود و یا بعبارتی تجلی فرهنگ در مکان است. در واقع مکان جای خاصی است در سطح زمین که بر عکس واژه موقعیت مفهوم مجرد نداشته بلکه محدوده موقعیتی است با هویت و قابلیت شناسایی که ارزشهای ویژه و معینی را با خود به همراه دارد. به عبارت دیگر هویت مکانی با حافظه تاریخی طبیعی مکان‌ها بشدت در ارتباط

ژانت، تجمیعی از متون جغرافیایی متعدد دانست که الفبای آن مناظر جغرافیایی و زبان آن را ارزش‌هایی تلقی کرد که در این ظرف مکانی تجلی یافته است.



شکل (۱) دوخت قاره ای اوراسیا و سپر عربستان

و ایجاد ناهمواریهای کلان ایران

آنچه در این پهنه ارزش مقداری پیدا می‌کند فضای بینامتنی و شار محیطی است که انعقاد نطفه هویت این واحد را سبب میشود در واقع هویت مکانی احساسی در فرد یا جمع است که به واسطه ارتباط با مکان بر انگیخته می‌شود و شاید بتوان آنرا تجلی فرهنگ در مکان دانست (کاویانی راد، ۱۳۹۱).

در زمینه وحدت ملی تحقیقات متعددی صورت گرفته و غالب این پژوهش‌ها در حوزه‌های علوم اجتماعی و فرهنگی بوده است و بدیهی است که مقولاتی چون زبان، فرهنگ، قومیت و ... محورهای اصلی چنین تحقیقاتی باشد. ولی از نظر جغرافی‌دانان پیوستگی‌های ملی از بن مایه‌های قوی تری نشأت می‌گیرد که در اصطلاح محیط شناسان از آن تحت عنوان فضای بینامتنی هویت محیطی یاد می‌شود.

عبارت دیگر پدیده‌های در ظاهر متفاوت ممکن است از اجزا متشابهی تشکیل شده باشند که آن وجوه متشابه را در اصطلاح آماری فرامقیاس ۳ گویند (Turcotte.1997)

اکنون شاید بتوان با این مقدمه کوتاه به تعریف چنین مفهومی در ژئومرفولوژی تحت عنوان "فضای بینا متنی" مبادرت کرد.

فضای بینامتنی در ژئومرفولوژی ایران یک رخداد تاریخی مشابه از نظر فرآیندی است که در مکان‌های متفرق و متفاوت رخ داده ولی هویت مکانی مشترکی را تعریف می‌کند. این مشابهت در فرآیند الزاماً سبب ایجاد هویت واحد نمی‌شود بلکه شرط لازم برای وقوع چنین اتحادی، پیوند محیطی است که در سایه این اشتراک، امکان منعقد شدن را پیدا می‌کند. به عبارت دیگر آنچه سبب هویت مشترک در این فضا می‌شود تنها اشتراک در یک فرآیند و یا فرم تاریخی نیست بلکه ایجاز شار محیطی پیوندی را بواسطه این اشتراک بوجود می‌آورد که زمینه وحدت و یکپارچگی و بوجود آمدن هویت آینه‌ای در سرزمین را فراهم می‌آورد.

- مفهوم گرادیان محیطی

گرادیان محیطی می‌تواند نوعی ارتباط بین اجزا متفرق بوجود آورد و تکثر و تنوع را به جریان‌ی ارتباطی بدل سازد به گونه‌ای که این تفاوتها در عین تکثر به وحدت خاصی در یک الگوی سلسله مراتبی در سطحی فراتر از سطح افتراقها منجر گردد. در

است اگرچه ممکن است عوامل فرهنگی در ایجاد هویت جوامع دخیل باشند، اما نام سرزمین را نباید نادیده گرفت و ایران یعنی مکان یا سرزمینی که مردمی، خود را به آن متعلق می‌دانند و حکیم ابوالقاسم فردوسی بصراحت تبلور هویت اجتماع را به داشتن سرزمین و یک ویژگی فرهنگی نسبت می‌دهد.^۱ اگر مکان یک عنصر هویت ساز تلقی شود حال این سؤال مطرح خواهد بود که چگونه مکان میتواند به هویت سازی در انسانها منجر شود. برای پاسخ به این پرسش باید با مفاهیم دیگری تحت عنوان "فضای بینامتنی" و "گرادیان محیطی" آشنا شد.

- فضای بینامتنی^۲

در دانش آمار روش‌های متعددی برای نشان دادن میزان افتراق وجدایی گروه‌های مختلف بکار گرفته می‌شود که از آن جمله مفهوم واریانس است. برای بیان چنین مقصودی ویژگی‌های خاصی از گروه‌ها را باید بصورت عددی در نظر گرفت و آنگاه با استفاده از میانگین حسابی، مجموع مجذور فاصله آنها از میانگین را بدست آورد. عدد بدست آمده وقتی بر تعداد گروه‌ها تقسیم می‌شود شاخصی بدست می‌آید که آن را واریانس گویند. این شاخص بیانگر میزان افتراق و تفاوت مجموعه‌ها از یکدیگر است. اما همواره از دید ریاضی این امکان وجود دارد که پدیده‌های متفرق علی‌رغم هیبت کلی متفاوت، از ترکیب اجزا متشابهی بوجود آمده باشند. از این مفهوم را مندلبروت تحت عنوان فراکتال یاد میکند (Mandelbrot.1982). به

3 - scale invariance

۴ - همانگونه که دیگر عوامل مشترک مانند زبان و..... چنین هویت مشترکی را بوجود نیاورده اند.

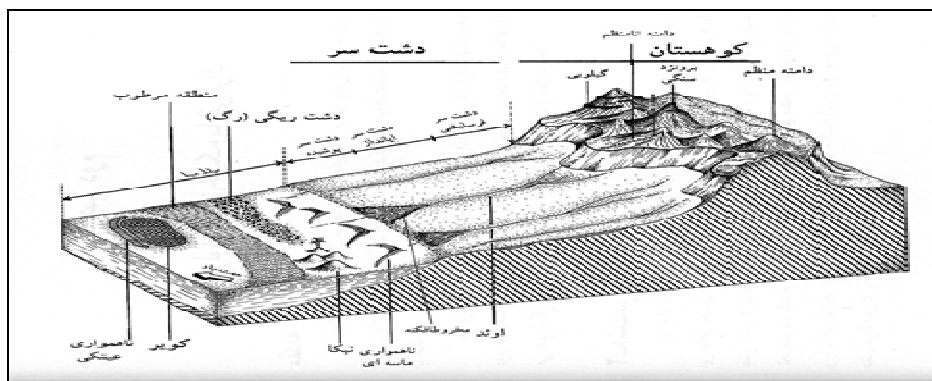
۱- سیاوش منم نه ازپری زادگان - ازایرانم از شهر ازادگان

2 = space-intertextuality

ژئومورفولوژیک را شکل می‌دهد. به عبارتی ساده تر می‌توان نظریه سلسله مراتبی را در زمینه ساختاری که افتراق‌های محیطی را به واحد یا مجموعه ای واحد تبدیل می‌سازد صادق دانست (M.J.Haigh, 1987). شکل (۲) یک ست ژئومورفولوژی را نشان می‌دهد که از سه واحد کوهستان، دشت سر و پلایا تشکیل شده است. هر یک از این واحدها خود به چندین تیپ و رخساره تقسیم می‌شوند که اگر چه هر کدام به طور مستقل عمل می‌کنند، اما در عین استقلال، مجموعه ای را به نمایش می‌گذارند که در ارتباطی قوی با دیگری معنادار می‌شود به چنین ارتباطی (که اجزا متفرق را ضمن استقلال اجزای آن در واحدی مرتبط، هویت می‌بخشد) شار محیطی اطلاق می‌شود.

صحنه ایران اقوام مختلف با فرهنگ‌های گوناگون وجود دارد و بنابراین، هر کدام نوعی استقلال ضمنی دارند که تجلی همان مفهوم افتراق است. اما مفهوم گرادیان محیطی، شاری را بین فضا‌های متفرق بوجود می‌آورد که نه تنها آن افتراق‌ها سبب انفکاک نمی‌شود که بین محیط‌های متکثر و متفرق نوعی پیوستگی بوجود می‌آید به گونه ای که احساس مشترکی در میان آن فضاها شکل می‌گیرد.

برای مثال کوه، دشت و پلایا که سه چشم انداز کاملاً متفاوت است، علی‌رغم تباین آنها بواسطه وجود شار و گرادیان که بین آنها بوجود می‌آید پیوستگی خاصی در میان آنها بوجود می‌آید. این مجموعه ضمن حفظ تفاوت‌ها و افتراق‌های بصری و ماهیتی در مرتبه ای پلکانی مجموعه واحدی تحت عنوان ست



شکل (۲) ست ژئومورفولوژی

گوناگونی می‌توان مواجه بود که در اصطلاح به آن متن جغرافیایی گفته می‌شود^۱. اما این چشم اندازهای متنوع و گوناگون می‌توانند نوعی تشابه و یا همگونی در ساخت، بافت، الگوهای ساختاری، فرم و یا فرآیند از خود نشان دهند که بعضاً

با توجه به تعاریف چندگانه فوق اکنون می‌توان با تحلیل افتراق‌ها و تکثرهای محیطی ایران مفهوم هویت آینه ای را بسط و تشریح نمود. همانگونه که در ادبیات با متون و سبک‌های نوشتاری مختلف مواجه هستیم در جغرافیا نیز در صحنه طبیعی با چشم اندازهای

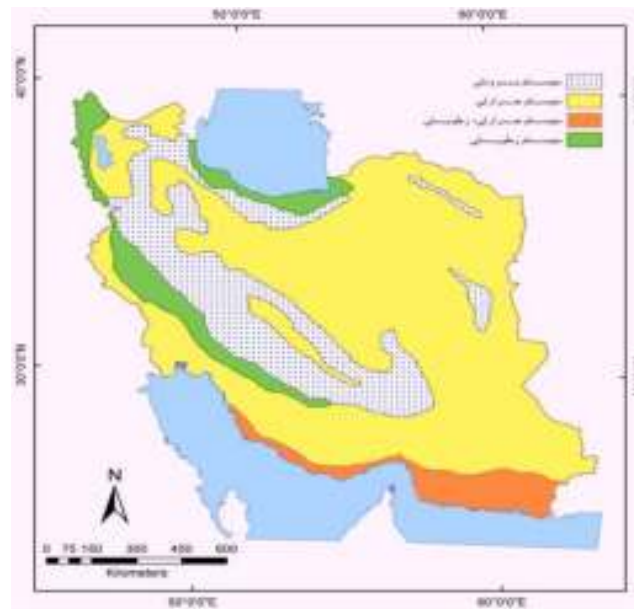
۱- منظور از متن جغرافیایی متن ادبی جغرافیایی نیست بلکه صحنه طبیعت و چشم اندازهای گوناگون آن مطرح نظر است.

هم در زاگرس و هم در بینالود شمالی وجه مشترک فرمی آنهاست. به عبارت دیگر این دوناحیه دارای یک فرم بینامتن جغرافیایی هستند. چنین تشابه و ارتباط‌های مکانی و فضایی در حوزه‌های دیگر مانند فرآیند، الگوی ساختاری و بافت منطقه ای نیز وجود دارد.

مفهوم دیگری که ما را در دستیابی به هویت مکانی یاری خواهد داد سیستم‌های شکلزاست. در ایران چهار سیستم شکلزای عمده وجود دارد که افتراق فرم‌ها و فرآیندها در چهارچوبه این سامانه‌ها شکل می‌گیرند (شکل ۳).

سبب ایجاد نوعی ارتباط و شار بین آنها می‌شود. چنین ارتباطات و مشابهت‌ها در جغرافیا، فضای فرامتنی نامیده می‌شود و بر حسب نوع تشابه و ارتباط اقسام ترامنتیت ژانت (Genette, 1982) در ژئومرفولوژی مصداق سازی می‌شود.

ایران یک متن جغرافیایی با چشم اندازه‌های گوناگون و متکثر است که درعین تکرر هم در فرم و هم در فرآیندهای بوجود آورنده آن، در ساخت و بافت محیطی نیز وجوه تشابه و متناظر بسیار وجود دارد. برای مثال زاگرس چین خورده درست فرمی مشابه با فرم بینالود شمالی دارد و فرم‌های طاق‌دیس ناودیسی



شکل (۳) نقشه سیستم‌های شکلزایی اقلیمی ایران، حاکمیت سلولهای برودتی، حرارتی،

رطوبتی و رطوبتی-حرارتی (مأخذ: عباسی ۱۳۸۹)

شکلزای برودتی و حرارتی سبب ایجاد هویت مدنی سرد مسکون در ایران شده بطوریکه منشا هویت مکانی و شار بین زیستگاه‌های مسکون در ایران (روستاها و شهرها) پیوند مشترک فرایندی شکل گرفته است. این ارتباط یا شار بین سامانه برودتی و رطوبتی

بین سیستم‌های شکلزای چهارگانه { برودتی (C)، حرارتی (W)، رطوبتی (H) و حرارتی- رطوبتی (W-H) } روابط یا شار محیطی خاصی وجود دارد که حافظه تاریخی مکانی آنها حکایت از نوعی اشتراک در هویت مکانی آنها میکند. رابطه یا شار بین سیستم

سبب ایجاد هویت مدنی روان (کوچنده‌ها) در ایران
 شده و ارتباط بین سامانه رطوبتی و حرارتی مدنیت
 گرم شهری را بوجود آورده است. (جدول ۱)

جدول (۱) ماتریس پیوندهای سیستم‌های شکلزا و تاثیر آن در شکل‌گیری مدنیت‌های مختلف در ایران

W_H	H	W	C	
ارتباطی وجود ندارد	کوچنده عمودی	مدنیت شهری و روستایی سرد	*	C
مدنیت شهری گرم و کوچنده افقی	مدنیت شهری گرم	*	مدنیت شهری و روستایی سرد	W
ارتباطی وجود ندارد	*	مدنیت شهری گرم	کوچنده عمودی	H
*	ارتباطی وجود ندارد	مدنیت شهری گرم و کوچنده افقی	ارتباطی وجود ندارد	W_H

مفهوم دیگری که در بیان مفهوم هویت آینه ای باید بدان پرداخت هسته نیوتنی است. نگاهی گذرا به توزیع جوامع مدنی در ایران (جدول ۱) را میتوان در مدل خاصی را بطور شماتیک خلاصه نمود شکل (۴). در مرکز این منظومه نیوتنی هسته ایران مرکزی واقع شده است و مدنیت‌های اقماری پیرامون آن قرار گرفته اند. قدرتی نامرئی اقماری این هسته را با نیروی کششی در مدارجانبی آن نگه می‌دارد بگونه ای که علی‌رغم تعدد و تنوع در آنها یک منظومه واحد را شکل می‌دهند.

به عبارت دیگر سامانه برودتی در ایران نقش رهبری در شبکه پیوند و ارتباط بین هویت‌های مکانی ایران و نوعی همگرایی و وحدت درونی بین متن‌های متکثر در ایران را بعهدده داشته است، بگونه ای که اگرچه در بسیاری از ویژگی‌های رفتاری و فرهنگی در ظاهر تفاوت و افتراق دیده می‌شود ولی در لایه‌های زیرین مبدا و منشا و یا به عبارتی هویت ظرف مکانی آنها دارای پیوند مستحکمی بوده و همین امر نوعی دوختگی و درهم‌تنیدگی سرزمینی بوجود می‌آورد که تجلی آن در رفتارها و همگرایی‌های مشترک آنها در فضا صورت می‌گیرد.



شکل (۴) توزیع پراکندگی و زیستگاه‌ها و قلمرو اجتماعات ایرانی

داری داشته و کشمش‌های درونی اقمار بعضاً برای ارتقا قدرت مدنی منظومه و حراست از مجموعه بوده و تمایلات جدایی طلبی و استقلال از هسته مادر مد نظر نبوده است.

در اینجا ایران مرکزی و قدرت مدنی زایی آن، نیرو یا کهربای اصلی پایداری منظومه و اقمار فرض شده است. سابقه تاریخی نشان می‌دهد که نوسان قدرت و ظرفیت مدنیت زایی این هسته با دوران شکوفایی و مشارکت و نقش آفرینی اقمار آن پیوستگی معنی



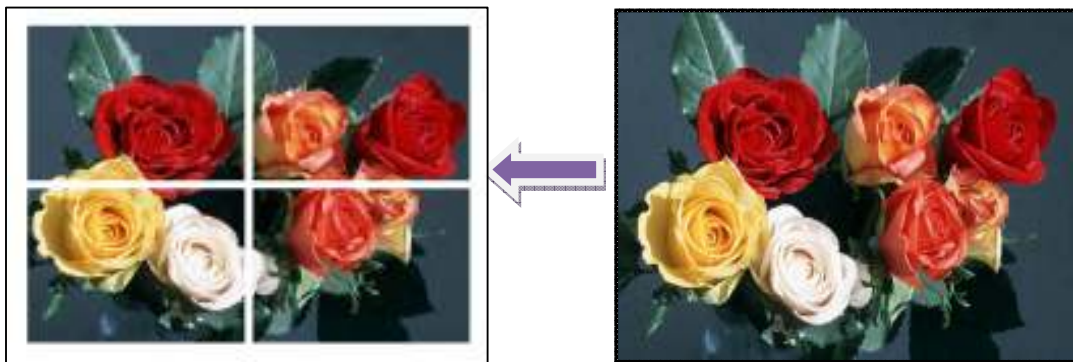
شکل (۵) کانون و هسته ایران مرکزی و اقمار آن

اگر دسته گلی را تصور کنید که شامل چند گل متفاوت باشد (شکل شماره ۶ الف) و سپس از آن عکسی گرفته شود بدیهی است که آن را میتوان با

مفهوم هویت آینه‌ای - هویت آینه‌ای اصطلاح جدیدیست که برای نوعی کلیت کسر ناپذیر مجموعه‌ای متکثر بکار می‌رود.

شاخه گلی مشاهده می‌شود (شکل شماره ۶ ب).

دادن برشی در صفحه عکس به شاخه‌های منفرد
و مستقلی تجزیه و گسیخت یعنی در هر قطعه از عکس



شکل (۶) الف: تصویری از یک دسته گل ب: برش گل و تفکیک شاخه‌ها از یکدیگر

با توجه به اینکه چنین پیوندی دارای منشا هویتی است بنابراین، نباید انتظار گسستگی آنرا انتظار داشت همچنانکه عقیم ماندن ترندها و تلاش‌های متعدد نیروهای برون منطقه ای برای گسیختن این واحد در چند دهه گذشته دلیلی بر صحت این مدعاست. حال آنکه واحدهای سیاسی مشابه که این پیوند هویتی مکانی را نداشته اند بسرعت در طول همین مقطع زمانی از هم گسیخته و منفک شده اند.

بدیهی است همان گونه که تصویر دسته گلی چند شاخه ای در آئینه یک کلیت واحد را به معرض دید می گذارد و با شکسته شدن و چند پاره شدن آئینه، تصویر دسته گل در همه پاره‌های آئینه یک کل واحد را نشان و انفکاک و جدایی آنها را باعث نمی شود، هویت آئینه ای سرزمینی نیز چنین نقشی را برای جمعیت متکثر ایران بوجود آورده است. به عبارت دیگر واژه ایران در چنین ویژگی سرزمینی که حاصل هویتی مکانی و درهم تنیدگی ویژگی‌های سرزمینی و تبلور شاخص‌های خاص فرهنگی در چنین فضایی است معنی میشود.

حال اگر دسته گل در مقابل آینه ای قرار گیرد و آینه شکسته شود در خواهیم یافت که اگرچه آئینه به قطعات متعدد تقسیم شده است ولی در هر یک از قطعات آینه، کل دسته گل دیده میشود و نمی توان با شکستن آئینه آنها را از یکدیگر منفک و جدا ساخت به چنین تعبیری هویت آئینه ای گفته میشود، و این مفهوم بر این مدعا دلالت دارد که پاره ای از محیطها و سرزمین‌ها خاصیتی جیوه ای از خود بروز میدهند، که ذاتا و ماهیتا خاصیت آئینه ای داشته کسر پذیر نیستند. شکل (۷)



شکل (۷) تمثیلی از هویت آئینه ای

ازحافظه تاریخ طبیعی که یادگار کواترنری است غفلت نمود.

بررسی‌های اولیه دانش ژئومورفولوژی در کواترنر نشان می‌دهد که موضوع هویت مکانی در ایران مستلزم درک عمیق از مفاهیمی چون سیستم‌های شکلزا، مدنیت گرم، مدنیت سرد، مدنیت مسکون و روان، فضای ترامنتی، منظومه نیوتنی، شار محیطی و حافظه مکانی است. و هویت آینه‌ای دستگاهی است که رابطه منطقی بین آنها روشن و بیان کننده تحلیلی ژئومورفولوژیانه از علت رابطه مکان و جوامع مدنی و یکپارچگی ایران در بستر زمان است.

منابع

- باباجمالی، فرهاد، (۱۳۹۱)، مولفه‌های ژئومورفولوژی و تاثیر آن بر هویت کانونهای مدنی و هنر فرش دستباف ایران، پایان نامه دکتری ژئومورفولوژی دانشگاه اصفهان.
- پاپلی یزدی، حسین، (۱۳۹۲)، کنفرانس هویت ایرانی، پژوهشگاه شاخص پژوه دانشگاه اصفهان.
- شکویی، حسین، (۱۳۸۲)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، فلسفه‌های محیطی و مکاتب جغرافیایی، جلد ۲، تهران: گیتاشناسی.
- شعری مقدم، شهاب. ۱۳۸۹. اسرار ابر زمان. مجله دانستنیها. ص ۲۹-۳۱
- کاوایانی راد، مراد، (۱۳۸۹)، ناحیه گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- نتیجه گیری

با توجه به تعاریف مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که شناخت عوامل موثر بر ثبات، پایداری و همگرایی هسته مدنی ایران از جمله مسائل مهمی است که کمک زیادی به امنیت ملی و پایداری تمدن نوین اسلامی خواهد داشت. سیری در تاریخ ایران بویژه در هزاره گذشته، نشان می‌دهد که علی‌رغم افت و خیزهای گوناگون و حدوث وقایع تلخ و شیرین تاریخی متعدد، ایران از جمله نادر واحدهای سیاسی- فرهنگی است که تاریخ استقلال برای آن مکتوب نیست. به عبارت دیگر وجود یک اجتماع واحد بطور پیوسته در طول تاریخ با هویتی مشترک در صفحه زمان و آن هم علی‌رغم افتراقها و تباينات بسیار متنوع و متکثر فرهنگی، موضوع پراهمیتی است که ضرورت پرداختن به آن بیش از پیش احساس می‌شود. با توجه به تعاریف مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که شناخت عوامل موثر بر ثبات، پایداری و همگرایی هسته مدنی ایران از جمله مسائل مهمی است که کمک زیادی به امنیت ملی و پایداری تمدن نوین اسلامی خواهد داشت. به عبارت دیگر وجود یک اجتماع واحد بطور پیوسته در طول تاریخ با هویتی مشترک در صفحه زمان و آن هم علی‌رغم افتراقها و تباينات بسیار متنوع و متکثر فرهنگی و سرزمینی، موضوع پراهمیتی است که ضرورت پرداختن به آن بیش از پیش احساس می‌شود. تنوع و تکثر سرزمینی در ایران موضوعی است که شالوده اصلی تنوع و تکثر فرهنگی و سازمندی‌های اجتماعی ما را ترسیم کرده است و درهمتنیدگی و وحدت در این سرزمین معطوف به هویت مکانی ماست و در این رهگذر نباید

Gerard Genette, ۱۹۸۲ Figures of Literary Discourse. Trans. Marie-Rose Logan. New York: Columbia University Press

Benoit Mandelbrot, 1979, Fractals: Form, chance and dimension

Mandelbrot, B. (1982). "The fractal geometry of nature". W. H. Freeman

M.J.Haigh, Oxford, 1987, The Holon Hierarchy Theory And Landscape Research. Caten Supplement. p_181-192.

Turcotte D. L. 1997: Fractals in geology and geophysics, Cambridge Univ. press, New York

کاوایانی راد، مراد، فتاحی، مصطفی، (۱۳۹۱)، هویت مکانی بر همگرایی ملی، فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده علوم انسانی، ش ۱۶.

نعمت الهی. فاطمه. ۱۳۹۲، فضای ترامنتی در ژئومرفولوژی، دومین همایش ملی انجمن ایرانی ژئومرفولوژی، دانشگاه تهران

عباسی، علیرضا. ۱۳۸۹. تحلیل فضایی و ژنتیکی مخروطه افکنه‌های ایران، فصلنامه جغرافیایی، دانشگاه اصفهان